



۲۸۵

فضائل

شماره ۲
زمستان - ۱۳۶۳

- سرفاله ■ طراحی محراب معماری
- خط کوفی، نخستین خاستگاه تجلی هنر در اسلام
- هنر خطاطی ■ همچون در یک آینه
- جناب سگی، حیات تازه‌ای در کتابت
- نستعلیق طلایی در هنر ■ تموج حریره نار و بود
- نریج‌ها و برمای نسیم ■ عمری در گستره خوشنویسی
- بادنامه بدالله عدالت‌جو ■ در برشهای ظریف جوب
- بدایعی در پهنه زندگی ■ بهس فایه افشار ■ موسیقی قرن بیستم
- تونرهای فیلم و کار برد آن ■ تئاتر فرانسوا کرنی رواسین
- باهم تانر کار کنیم ■ حکایت، حکایت کوچ است
- ادبیات انقلاب اسلامی ایران ■ فولکلور حقوقی



خط کوفی پاسخی منطقی به هر چه روحانی تر شدن کتابت قرآن مجید بود.

خط کوفی در طی قرن اول و دوم هجری به تنهایی بار هر گونه تزئین و رونق را بر دوش می کشد.

خط کوفی نامش را از شهر کوفه نخستین مرکز علمی اسلامی به وام می گیرد.

خط کوفی در ابعادی وسیع و چشمگیر و تزئینی مفصل در کتیبه های مساجد اسلامی مطرح شد.

وقتی تجربه ها به نهایت می رسد خط کوفی بر تن سفال می نشیند.



هادی هدایت

در تاریخ هنر پر بار اسلامی، بی تردید خط کوفی آغازگر نخستین رنگه های فولد هنری سراسر ایمان و زیبایی می شود.

کاتبان گمنام و چیره دست در سایه ایمان و اعتقاد والا شان به قرآن مجید با مدد از خط کوفی کار کتابت کتاب خدا را آغاز می کنند. کاتبانی که آگاهانه می کوشند از همان ابتدا چشمهای مشتاق را بسوی خود کشند و خواست دلهای نیازمند به دریافت معانی قرآن را با استفاده از صلابت و زیبایی خط کوفی دوچندان سازند.

خطی که چون زاده شد پاسخی منطقی به هر چه روحانی تر شدن کتابت قرآن مجید بود.

خط کوفی، نخستین خاستگاه تجلی هنر در اسلام



پلن مقراب، تهران

مهیاتی که دارد به گونه آزمونی والا در تجارب
هنری برمی گزینند.

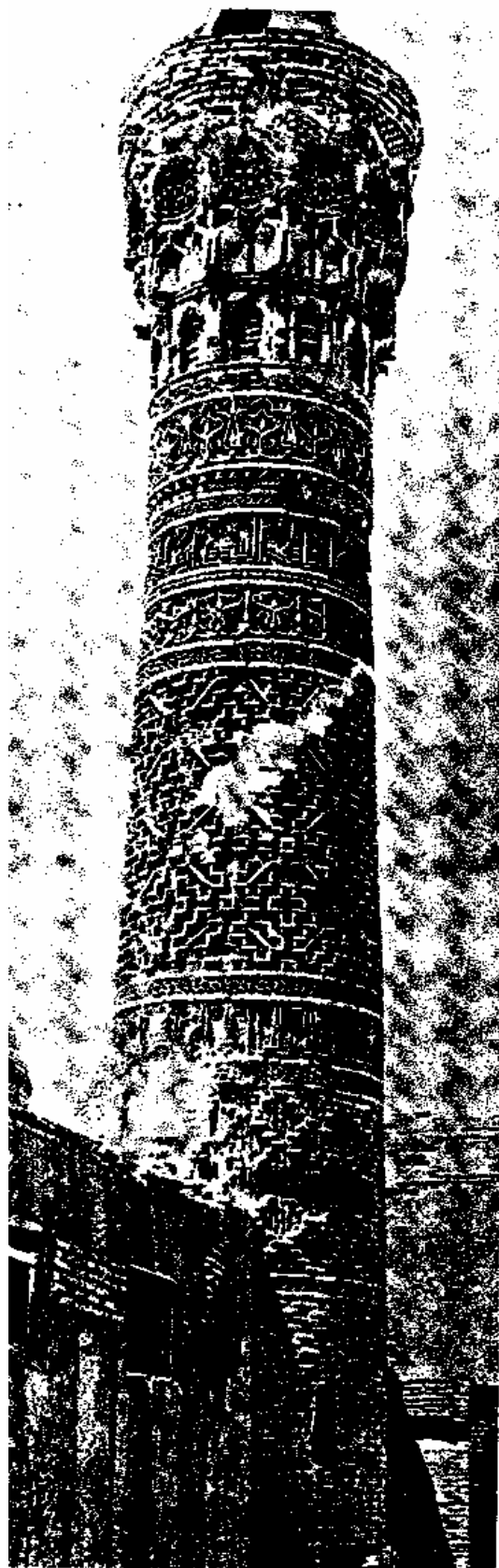
کتابت قرآن مجید: نخستین تجلی خط
کوفی

کاتبان نخستین قرآن مجید به شیوه خط
کوفی، از همان ابتدا با توجه به انعطاف پذیری
این خط، آنچنان ماهرانه و مشتاق قلم بردست
گرفتند که با همه سادگی شیوه اولیه تحریر
کوفی، تفاوت‌ها و شگردها آشکار گردید. هرگز
دو دست یکسان ننوشتند و ذوق‌ها و استعدادهای
مشابهت و تکرار در نیامدند.

این زمینه مبدون خط کوفی است که در طی

خطی آغازگر جلوه‌های گمان خطاطی در
حوزه هنر اسلامی، خطی که در هر چین و شکن
حروفش انگاری که پرخش دستهای هنرمندانه،
نه به تحریر که به ترسیم عظمت و مرتبه و تقاضی و
حسرت کلام خدا تشبیه اند، تا آنجا که برخی از
حروف جدا از هم به عنصری تزئینی و چشمگیر
تبدیل می‌شوند.

هم چنین مسبب است که ناگزیر به این
باوریم که کاتبان خط کوفی را تنها نمی‌بایست
صاحبان استعداد و ذوق در تحریر بشناسیم که
آنان چهره‌دمتانی در کار خط و خطاطی به شمار
می‌روند که کوفی را با توجه به زمینه گسترده و



مناره بستان - ۵۱۴ هجری

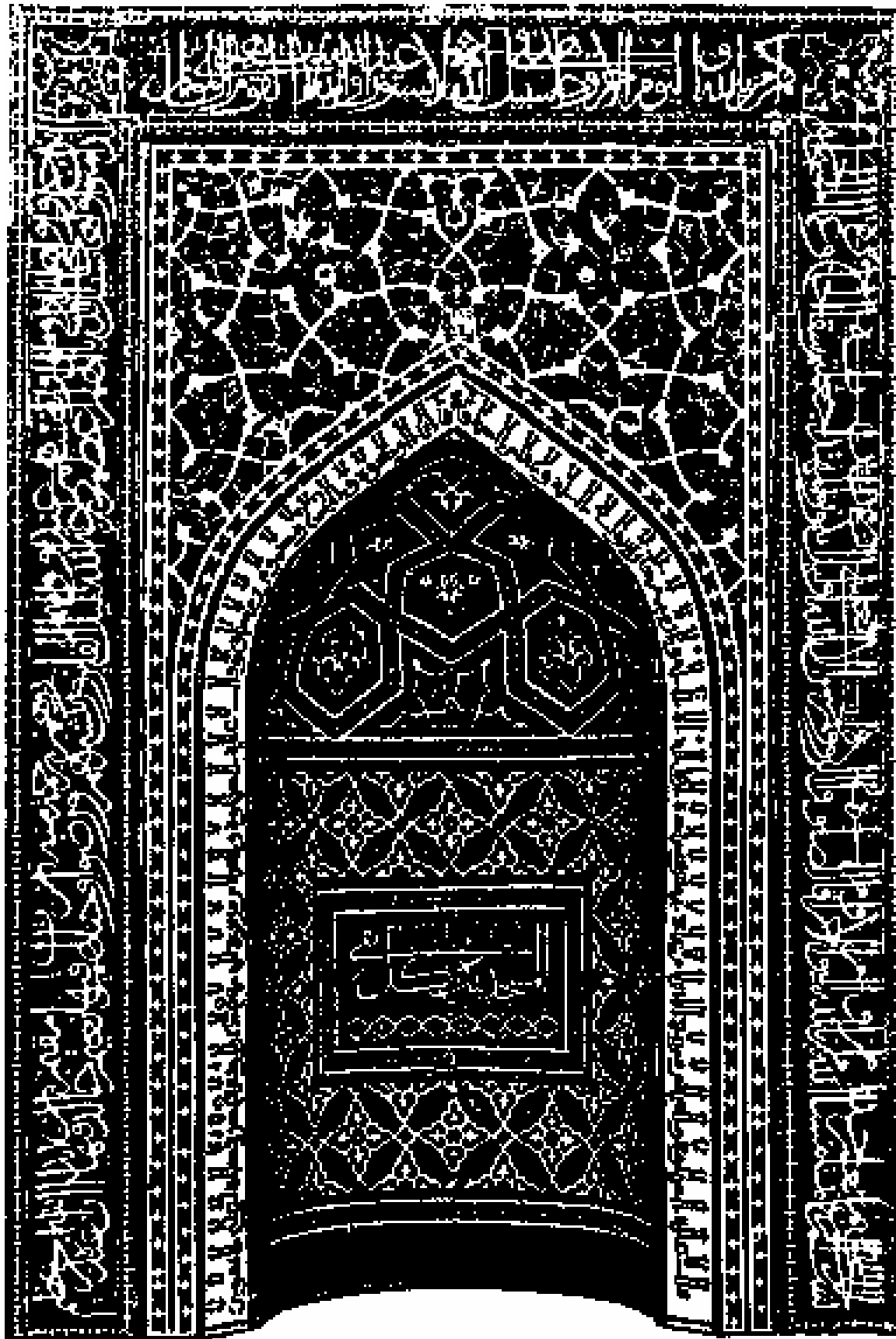
دو قرن اول و دوم هجری خود بتنهایی بار هر گونه تزئین و زیبایی و رونقی را بردوش می کشد و چون تذهیب به صفحات کتاب خدا راه می یابد، با همه رونق و زیبایی در کنار کوفی جایی برای مطرح شدن، آنسان که شایسته است نمی یابد و تنها به گونه زمینه ای تزئینی گاه جدا از تحریر کوفی و در حاشیه می ماند.

کوفه: خاستگاه خط کوفی

در باره خاستگاه خط کوفی نقل قول ها بسیار است، قدر مسلم آنکه، این خط نامش را از شهر کوفه، نخستین مرکز علمی اسلامی به وام می گیرد. خطی که ابتدا بی هیچ اعراب و اعجامی در قرن اول هجری و محدوده عربستان مطرح می شود و کاتبانی از این دیار به کار کتابت قرآن با مدد از خط کوفی اولیه که به آن «کوفی ابتدائی» می گویند مشغول می شوند.

گسترش خط کوفی

قرنی بعد، کوفی از مرزهای سرزمین عربستان همگام و هم زمان با فتوحات مسلمین به سایر نقاط جهان راه می یابد. تجارب معدود کاتبان عرب زبان که با همه محدودیت، زمینه ساز و الگو است، جای خود را به رقابت هنری پرثمر در گوشه و کنار ممالک اسلامی می سپارد. کوفی در گستره ممالک اسلامی به آنچنان اعتبار و نفاست و زیبایی دست می یابد که در قرن سوم هجری گذشته از راه یافتن اعراب و اعجام و شدت و مدت به آن، این خط محور اصلی و اساسی هنر تزئینی اسلامی می گردد و بدانی پایه از رشد و کمال در شیوه های متفاوت و بدیع می رسد که برای بازشناختن ارزش های هنری و فرهنگی خط





هم چنین گچ ببری و پارچه بافی می گردد. و این همان زمانی است که تمامی ذوق ها و اندیشه های هنری در تکاپوی تنوع بخشیدن به این خط است و بدنبال این نوآوری و ابتکار است که کوفی تزئینی مطرح شده و لابلای کلمات و حروف نقش گل و برگ و گیاه جا داده می شود.

از دگر سوی میل به تنوع بخشیدن خط کوفی همچنان ادامه دارد، مدت زمانی نمی گذرد که خطاطان چیره دست با وارد کردن اشکال هندسی

کوفی ناچار به تقسیم بندی گونه های خط کوفی در جهان آن روز شده اند، عناوینی شامل کوفی مغربی، کوفی ایرانی، کوفی بغدادی و الخ...
خط کوفی در ایران

در ایران با توجه به ذوق و نوآوری هنرمندان مسلمان خط کوفی گذشته از کاربرد موثرش در کتابت قرآن به سایر هنرها نیز راه پیدا می کند، جایگاهی فراخور شأن و تحسین می یابد و شگفتا که عاملی موثر و عنصری پر بار در تزئین سایر هنرهای ظریفه اسلامی همانند سفال و فلز و



نقش کوفی در سفال، تصویر



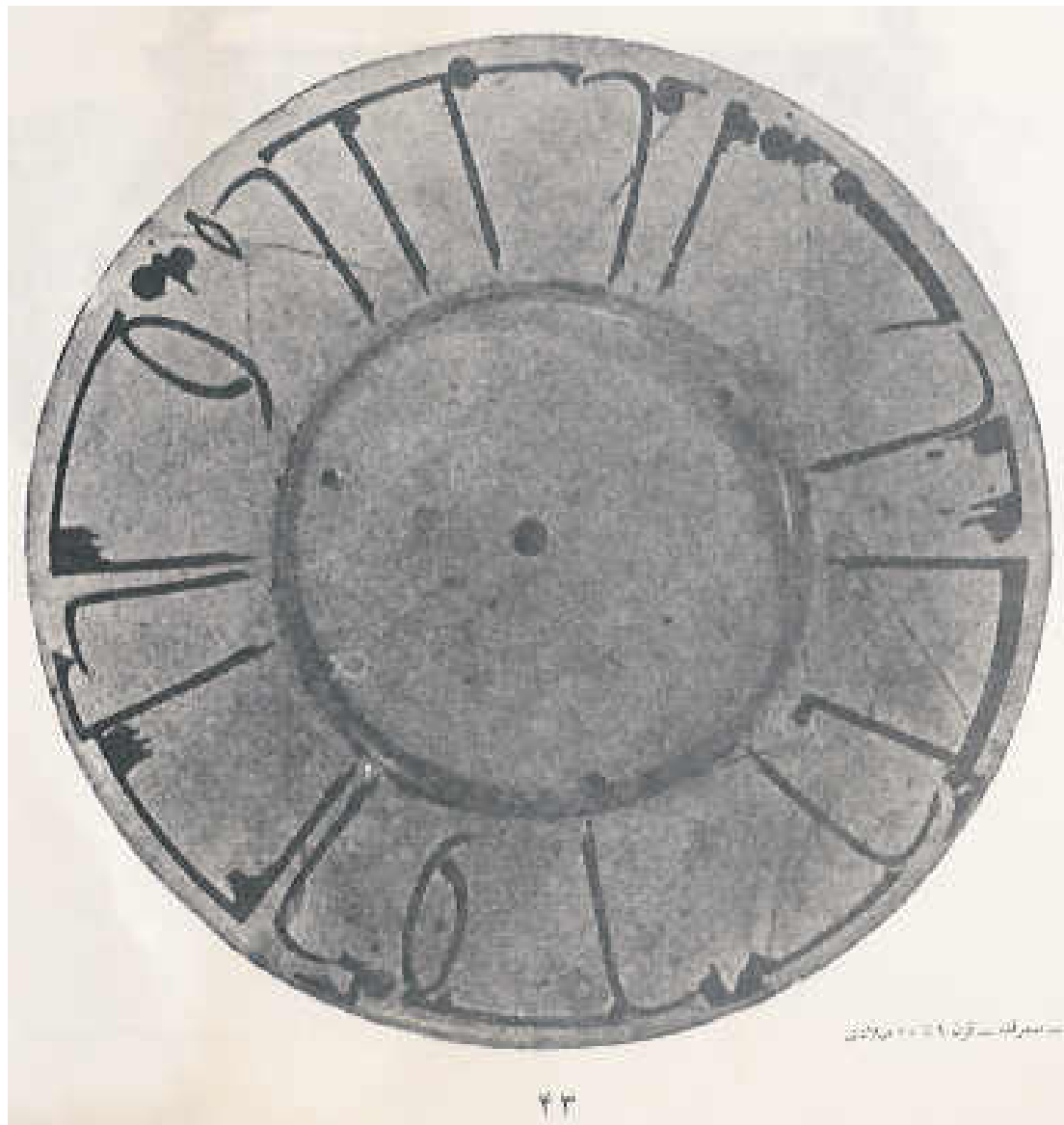
خط کوفی دانست، چرا که کوفی با همه اعتبار در ضرورت تنوع و تحول هنر خطاطی از رواج می افتد و از این پس در گذار سایر شیوه های خوشنویسی همچنان بر در و دیوار مساجد و سایر بناهای مذهبی به کار گرفته می شود.

چه بسیار کاتبان هنرمند و باذوق و ایمان که همچنان با شیفتگی کار کتابت قرآن مجید را در شیوه خط کوفی دنبال می کنند، که این استمرار و ادامه حیات خط کوفی بیشتر بدلیل نگاهداشت ارزش های وافی کوفی و سهم موثر این خط در

در قالب خط کوفی، بانیان «کوفی بنائی» می شوند، شیوه تازه در انوار غیره کفنه کاشی ها چو قنار معماری سراسر رمز و راز اعتبار تزئینات مساجد اسلامی را دوچندان می سازد.

خط کوفی و شیوه های نوین خوشنویسی

پس این همه با رواج شیوه های جدید خوشنویسی، خط کوفی از اواخر قرن سوم هجری بعد به آرامی جای خود را به تنوع شیوه های تازه می سپرد، اما این به کتاری نهاده شدن را هرگز نمی بایست به معنای نادیده گرفتن ارزش های





نقوش، طبرستان، ۱۱۹۳ هجری قمری - عراق

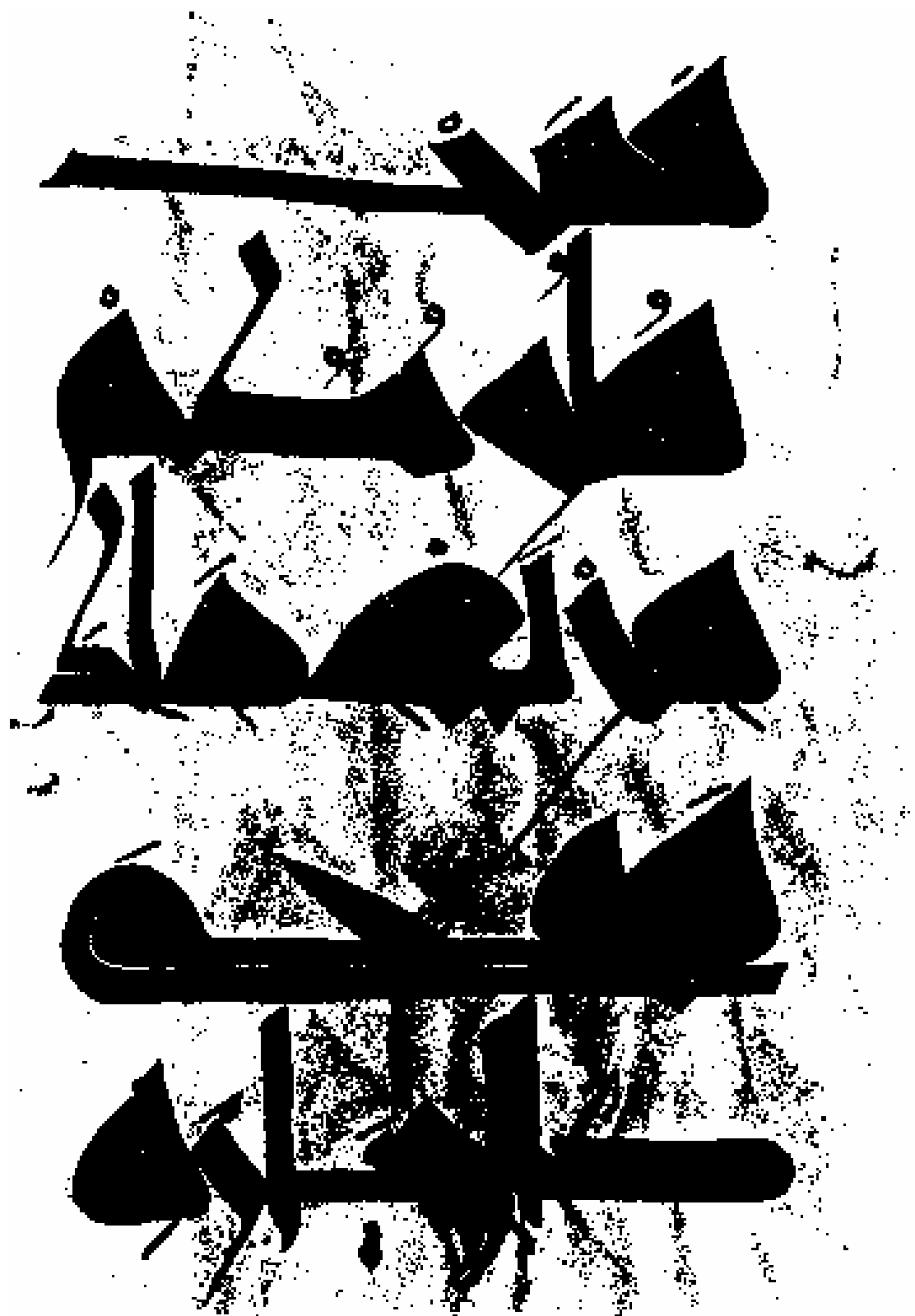


ساده و چه با تذهیب وجود دارد که بسیاری از این نسخ بدلیل زیبایی خط و تذهیب و ترمیم و جلدسازی در عالم هنر اسلامی بی مانند است. غنی ترین مجموعه نسخ خطی قرآن را باید در کتابخانه آستان قدس رضوی جستجو کرد و سایر نسخه ها را در میزه ها و مجموعه های خصوصی. نسخ خطی قرآن مجید به خط کوفی در ایران حکایت از استقبال خطاطان و خوشنویسان ایرانی از این خط می کند، آنان کوفی را چون به عاریت گرفتند بدان شخصیت و شکلی دلخواه و

پاگیری هنر خوشنویسی در جهان اسلام و مهم تر هنر تزئینی اسلامی بوده است. کتابت قرآن مجید به شیوه خط کوفی در ایران با توجه به ایمان و عشق و ارادت خطاطان مسلمان ایرانی به کتابت کتاب خدا، ایران از محدود کشورهای اسلامی است که در آن می توان نفیس ترین نسخ خطی قرآن را جستجو کرد. یک آمار و جمع بندی کلی حکایت از آن دارد که در ایران بیش از ده هزار نسخه قرآن خطی به خط کوفی، ثلث، نسخ، محقق، ریحان و نستعلیق چه



قرق مفری - اوایل قرن نازدهم میلادی





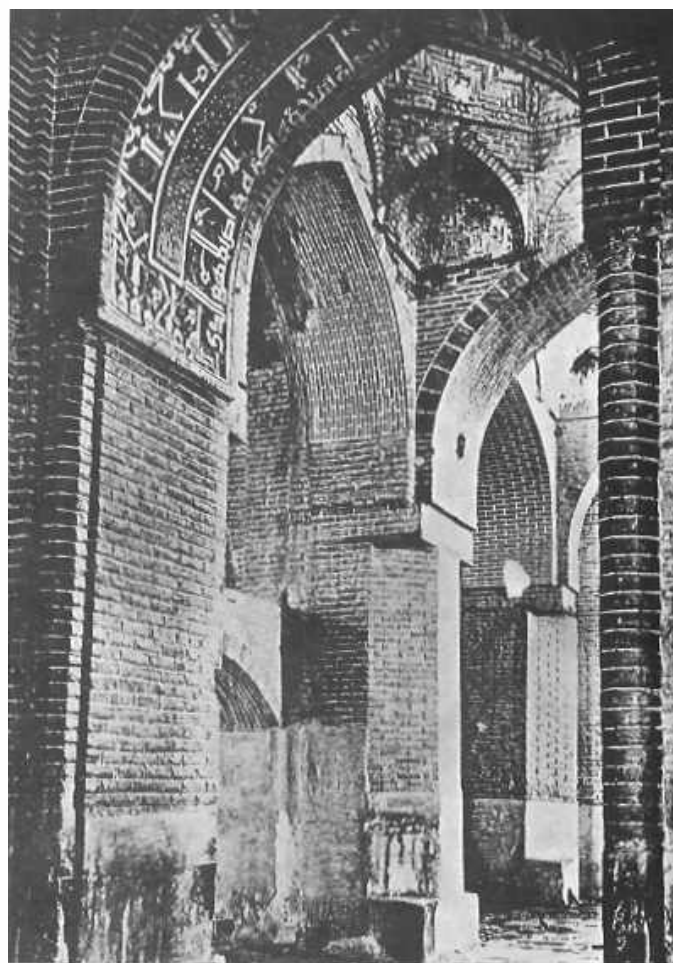


مستقل بخشیدند، و این همان تلاشی است که کوفی ایرانی را به عرصه هنر اسلامی ارائه می دهد. وارد کردن تذهیب و تزئین در کنار خط کوفی و ابتکار در شیوه های مختلف تحریر این خط بی تردید از آن ایرانیان هنرمند است.

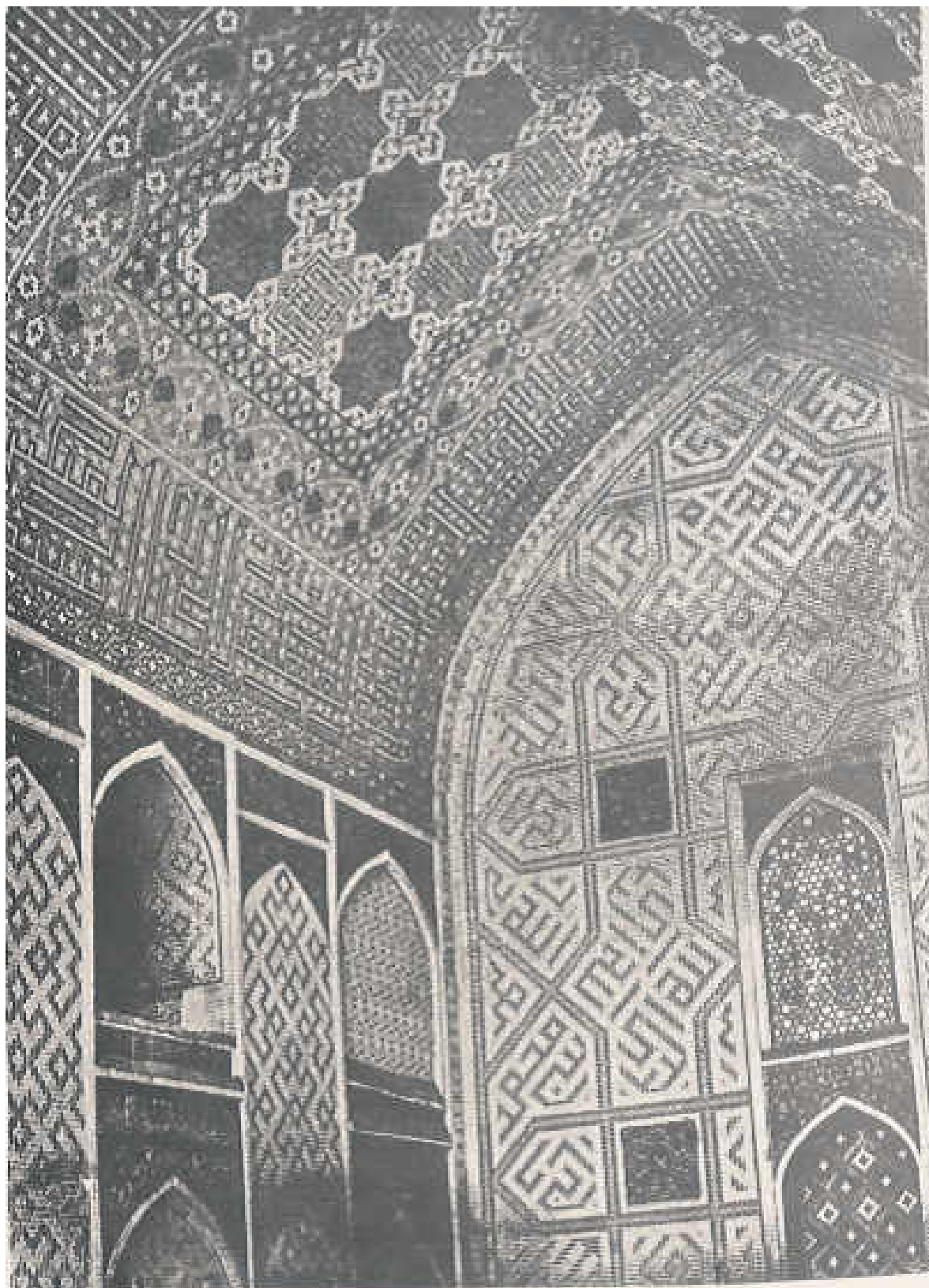
کتابه های خط کوفی در مسجد و محراب

فردیدی نیست که گام بعدی در تحول خط کوفی از آن خطاطان و کاشیکاران است که کار تزئین خانه خدا را با مدد از خط کوفی به عنوان زمینه اصلی تزئین برگزیدند. خطی که تجربه و پختگی و زیبایی اش را مدیون کثابت قرآن است. اینک قرار بر آن است که قامت بلند و پر داز و شکن الفبای کوفی به پیشانی ایوان های مسجد راه یابد و در چهار چوب محراب ها بیشترین نقش تزئینات را از آن خود سازد. هم بدلیل این تحول است که از این پس خط کوفی در نمادی چشمگیر با تزئینی مفصل و تحریری پیچیده پا به عرصه هنر تزئینی اسلامی می نهد. تحولی نه سهل و آسان، هنری نه تنها نشانه ذوق و مهارت که تمریزی در گشودن درجه نژادی به معانی معنویت و اخلاص و ایمان در هنر القیای کوفی در پیشانی ایوانهای مسجد، بر گردا گرد مناره ها، بر بلندای گنبد های رفیع هر قطر و چشمی را بخود کشیدند، تا آنجا که چشمها را از راه دور به اشتیاق خواندن، زبانها را به تحسین و دلها را به نیاز و طلب واداشتند.

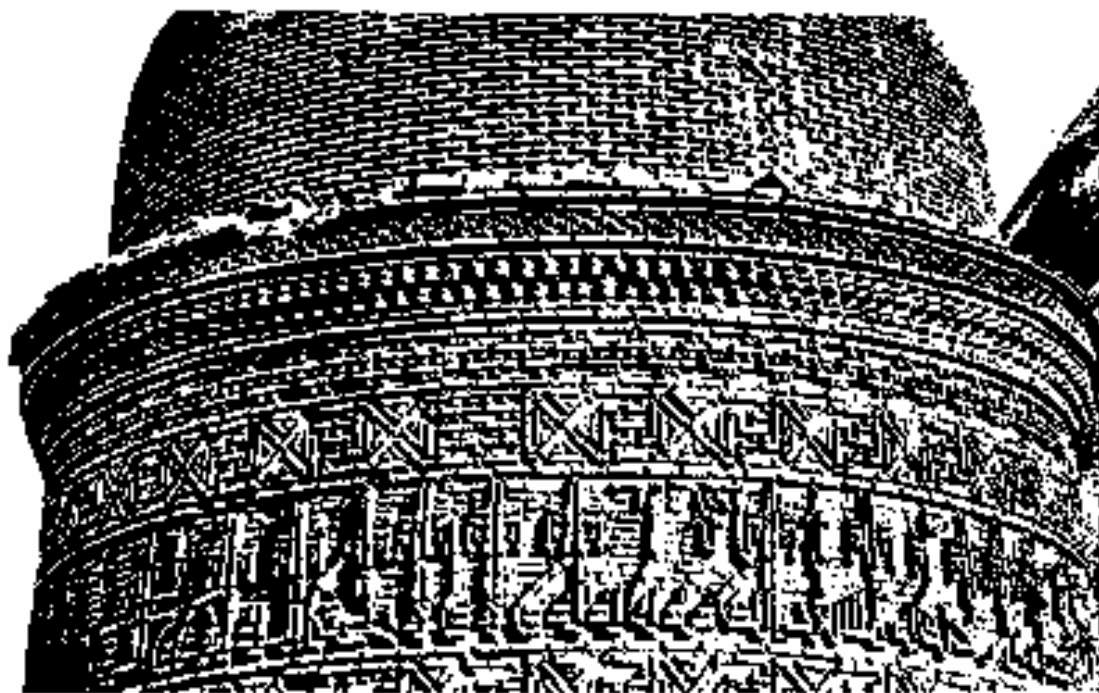
تحول تازه ابتدا در بافت ساده و صمیمی آجر و زان پس بر تارک محراب های نفیس گچ بزی شده و دست آخر در زمینه کاشی های رنگین خود نمایانند، تا آنجا که در خانه های



مسجد شیخ محراب مسجد جامع اصفهان



نمای جنوب شرقی مسجد کوفه - مشهد



برج مفرقه چهار دختران - سامرا

معناتی جستجو کرد که اسلام به هنر می بخشید، باوری از تعهد، رسالتی در آگاهی بخشیدن، دور شدن از زیبایی ظاهری، راه یافتن به نوعی عرفان و سادگی در هنر.

و دیگر دلیل آنکه هنرمندان مسلمان گام در راه وحدت بخشیدن به مفاهیم هنر اسلامی برمی دارند، تلاش در رسیدن به نوعی بیان مشترک. شگفت آور آنکه این مهم سر نوشت هنر اسلامی را به یکنواختی و تکرار نمی کشاند. گویی در کنار این وحدت بخشیدن، آنان آنچنان ذوقی را بکار می بندند که هر بار سرفصل تازه ای در زیبایی و هنر می گشایند.

خط کوفی در سایر هنرهای ظرفه.

هم زمان با رونق کوفی در کاشی و سفال، این خط در تزئین ظروف فلزی نیز صاحب سهم می شود. در کنار طرح و نقش های اسلیمی و

خدا، به هر گوشه و کناری نقشی و تنوعی و حرکتی تازه از کوفی بیادگار ماند، کوفی پیام رسان کلام خدا شده خطی که گاه خواندن و بازیافتنش بریژه در شیوه بنایی نیازمند تعمقی طولانی و حیرت بسیار است، که این همه راز و رمز زائیده هنری مقدس و معنوی است که تو را از هر چه عمریانی و آشکاری و سهل پسندی و فتن است دور می کند.

در اوج پختگی و کمال خط کوفی، وقتی تجربه ها به نهایت می رسد، کوفی بر تن سفال می نشیند، در باب اینکه چگونه عوامل تزئینی هندسی و یا طبیعت و نقوش حیوانات با آن همه سابقه طولانی و زیبایی در صفحه بشقاب ها و گرداگرد کاسه های سفالی جای خود را به خط کوفی می سپارد بی هیچ تردید می بایست گذشته از رونق و اقتدار خط کوفی، عامل اصلی را در بار



بندرت و تنها در قالبچه‌های کوچک و تزیینی، همانند استفاده از تابلویی بر دیواری راه پیدا می‌کند. و این حکامیت نه بدلیل عدم توانایی کوفی‌نویسان بر تن قالی است که چون کوفی همه‌گناه با نام خدا و کلام خدا به نگارش درمی‌آید، در حرمت این کلام و کلمات مقس نیست که به زیرپای این و آن درآید، پس نقش‌ها در قالی در همان اسلیمی‌ها و گل و بوته‌ها تکرار می‌شود. این محدودیت و منع بدلیل آگاهی و تفکر در هنری است که از سر تصادف و تفتن بوجود نمی‌آید.

اینکه بخواهیم ردپای کوفی را در سایر رشته‌های هنر ظریفه دنبال کنیم کاری نه در حوصله این مقال است، که تنها ذکر اشاراتی را ضروری می‌بینیم: در نقش خط کوفی در سکه‌های سده‌های نخستین هجری و حجاری این خط بر تن سنگ و مهم‌ترکنه کاری بر چوب، که این کنده کاری معادل ارزش کتیبه‌های خط کوفی در مساجد و چه بسا اوقات ماهرانه‌تر به حساب می‌آید. به خصوص وقتی که در درهای چوبی بناهای مذهبی ایران، چونان چشم بنا می‌درخشد.

و این همه روایت مختصری بود از پنج قرن نفوذ و تاثیر خطی در گستره هنر نو پائی تحت نام هنر اسلامی در سده‌های نخستین ظهور اسلام، خطی که توان آنرا داشت که تا قرن‌ها بعد نیز بیکه و نتها بدرخشد، اما چون از رونق افتاد همچنان در سرلوحه‌ها و یادها باقی ماند، چندانکه تنها ذکر یادگارهایش در ایران خود کتابی مفصل می‌شود.

هندسی. و بجااست اشاره کنیم که این تحول در رابطه با ارتباط نزدیک هنر و جامعه شکل می‌گیرد، در خلاصی هنر از بند انحصارطلبی‌ها. اینک می‌شود به آسانی، بی هیچ زرق و برقی آن‌همه پیچیدگی و انحصار را که لاجرم بذور از ذوق جامعه شکل می‌گرفت به کناری نهاد و به سوی هنری پاک و منزه و زیبا و آشکار برگشت و حتی وقتی بر تن ظرفی قلمی نقشی از گل و برگ از گیاه قلم زده نشد، به همان چین و شکن و زیبایی خط کوفی اکتفا کرد.

اما جالب‌تر از همه استفاده از خط کوفی بر پارچه‌های گران و ارزان زمان است، کوفی در پارچه به عنوان عنصری تزیینی، نگاه تنها یا حاشیه‌ای همانند کتیبه‌های مساجد مورد استفاده قرار می‌گیرد.

باتوجه به نقش رنگ در پارچه‌ها، خط کوفی لطیفی همانند کتیبه‌های کوفی کاشیکاری شده می‌یابد. و باز هم تجلی هنری بی‌شناستاما کاشی و یا راقمی. راستی چه می‌شد اگر در کنار این همه هنر، قلم زدن بر فلزی، نقش زدن بر سفالی، به شیوه رایج تسلاهای بعد به نشانه «رقم» کمترین بنده درگاه الهی، بروی خورده‌ایم، تا اینچنین در وادی پهنای هنر اسلامی دلتنگ از ناشناختن‌ها نباشیم، اما نگاه این اندیشه به ذهن آدمی خطور می‌کند که راستی را نکند قصد عمده‌ی در کار بوده است تا تو امروز به معنای فروتنی اندیشه کنی و اخلاص را دریابی.

کوفی اگرچه در پارچه‌ها راه می‌یابد، اما چه در زمان رونق و چه بعد از آن با همه امکاناتی که قالی در این سرزمین دارا است، خط کوفی